

واکاوی معیارهای دادرسی منصفانه در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و حقوق ایران با نگاهی به دادرسی جرایم نیروهای مسلح



دکتر محمدرضا یزدانیان، معاون قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح و مدرس دانشگاه

چکیده

امروزه در اکثر نظام‌های حقوقی جهان به تأسی از مفاد اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه جایگاه خاصی پیدا کرده و رکن اساسی دادرسی کشورها را تشکیل می‌دهد. در حقوق ایران نیز اصول و شاخص‌های مهم آن در قانون اساسی و قوانین عادی ذکر شده است. مهم‌ترین معیارها و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دادرسی عادلانه و منصفانه حاکم بر دادرسی‌های حقوقی، کیفری و اداری عبارت‌اند از: «استقلال دادگاه، بی‌طرفی مقامات قضایی، علنی بودن دادرسی، قانونی بودن جرم و مجازات، شخصی بودن مسئولیت کیفری، برابری سلاح‌ها، حق بهره‌مندی از وکیل، مستند و مستدل بودن آراء، حق دسترسی به دادگاه صالح و قانونی، تفهیم اتهام و دلایل آن به متهم، محق بودن متهم به سکوت، حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی». مقاله حاضر به صورت توصیفی و تحلیلی و با روش کتابخانه‌ای با پرداختن به معیارهای اشاره شده به تبیین اینکه محاکم نظامی نیز به عنوان بخشی از قوه قضاییه از حیث حاکمیت معیارهای دادرسی منصفانه تابع عمومات و اصول کلی حاکم بر دادرسی‌های کیفری هستند، می‌پردازد.

واژگان کلیدی: معیارهای دادرسی منصفانه، تضمینات دادرسی منصفانه، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، دادرسی جرایم نیروهای مسلح



درآمد

در دهه‌های اخیر ظهور و توسعه مفهوم «دادرسی منصفانه» در انواع دادرسی‌های حقوقی، کیفری و اداری به مؤلفه‌ای اساسی و بنیادین تبدیل شده است و حتی در مواردی عدم رعایت «معیارهای دادرسی منصفانه» مشروعیت رسیدگی به دعاوی را نیز زیر سؤال می‌برد. حق بر دادرسی منصفانه از ارکان سازنده و بنیادین حاکمیت قانون است. دادرسی منصفانه در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، همچون مواد ۱۱-۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها و مواد ۱۹ و ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

در حقوق داخلی عبارت «دادرسی منصفانه» در قانون اساسی نیامده است، ولی به اصول مهم آن مانند «حاکمیت قانون و تساوی افراد در برابر آن، صالح بودن دادگاه، قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، علنی بودن دادرسی، حق تفهیم اتهام به متهم، حق دسترسی به دادگاه صالح، حق برخورداری از وکیل، فرصت و امکانات دفاعی، مستدل و مستند بودن آراء» اشاره شده است. علاوه بر قانون اساسی، در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، منشور حقوق شهروندی و دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضاییه مصوب سال ۱۳۹۸ رئیس قوه قضاییه نیز به برخی از معیارهای دادرسی منصفانه اشاره شده است.

آیین دادرسی کیفری چه در دادگاه‌های عمومی و چه در محاکم اختصاصی همواره باید از اصول و تضمینات دادرسی عادلانه و منصفانه تبعیت کند، در غیر این صورت اهداف مهم آن به خصوص، هدف راهبردی صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی متهم محقق نخواهد شد. رعایت حقوق متهم و آزادی‌های فردی وی محور اساسی دادرسی عادلانه و منصفانه را تشکیل می‌دهد. در عین حال توجه به حقوق متهم منافاتی با تضمین حقوق بزه‌دیده ندارد.

معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه علاوه بر دادرسی کیفری باید در دادرسی‌های شبه قضایی و اداری مانند رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت و یا رسیدگی به تخلفات انضباطی کارکنان نیروهای مسلح نیز رعایت شود. همچنین سایر کنشگران رسیدگی‌های قضایی و شبه قضایی نیز که توسط طرفین دعوا و یا به تشخیص مقام قضایی وارد پروسه دادرسی می‌شوند؛ از قبیل وکلا، کارشناسان رسمی و نمایندگان حقوقی حسب مورد مشمول الزامات دادرسی منصفانه می‌شوند.

کارکرد معیارها یا شاخص‌های دادرسی عادلانه و منصفانه، سنجش و ارزیابی دادرسی از حیث رعایت عدل و انصاف است. معیارهای موصوف ارزشی هستند و معمولاً در حقوق کشورهای مختلف به لحاظ موقعیت و جایگاه آنها در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای دارای ضمانت اجرا تحت عنوان «تضمینات دادرسی منصفانه» می‌باشند. هرچه معیارهای یاد شده، عینی‌تر، دقیق‌تر و جزئی‌تر باشد، سنجش و آزمون فرایند دادرسی از نظر عادلانه، منصفانه و مطلوب بودن آسان‌تر می‌شود. در این نوشتار شاخص‌هایی که در قوانین بیشتر جنبه کاربردی دارند در دو بخش معیارهای ماهوی و شکلی مورد تحلیل حقوقی قرار گرفته است.

۱- معیارهای ماهوی

معیارهای ماهوی، اصول حقوقی ماهیتی و کلی نظام عدالت کیفری هستند که در تمام رسیدگی‌های قضایی، شبه قضایی و اداری لازم‌الرعا می‌باشند. در حقیقت این معیارها سنگ بنای دادرسی عادلانه و منصفانه و از اصول بنیادین آن محسوب می‌شوند؛ در اسناد جهانی و داخلی ناظر بر دادرسی منصفانه بر رعایت کامل معیارهای موصوف در کلیه رسیدگی‌های قضایی تأکید شده است. مهم‌ترین این معیارها عبارت است از:

۱-۱- حاکمیت قانون و تساوی افراد در برابر آن

اصل حکومت قانون یکی از حقوق بنیادین حقوق کیفری و از مؤلفه‌های بارز و شاخص دادرسی عادلانه و منصفانه است. «اصل حاکمیت قانون»^(۱) یکی از اصول مهم حقوقی است که بر اساس آن، انجام کلیه امور سیاسی، اداری و قضایی و اتخاذ هرگونه تصمیم از طرف مقامات و مسئولان باید بر طبق قانون باشد. بر اساس اصل حاکمیت قانون، اقدامات و تصمیمات خودسرانه ممنوع و مردود است» (آشوری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۸ و ۱۷۹).

در مورد اصل تساوی افراد در برابر قانون و یا حقوق مساوی افراد جامعه، اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». همچنین برابر اصل بیستم قانون اساسی، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. اصل «حاکمیت قانون و تساوی افراد در برابر قانون» در اصول دیگر قانون اساسی نیز به عنوان منشور و میثاق ملی مورد تأکید قرار گرفته است.^(۲)

اصل تساوی افراد در برابر قانون در اسناد بین‌المللی از جمله مواد ۷ و ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱۴ و ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است. «اصل تساوی افراد در امور قضایی، خود دارای دو بعد می‌باشد. نخست، برخورد یکسان محاکم با طرفین دعوا، یعنی متهم و مقامات تعقیب دعوی عمومی و دیگری برخورد یکسان محاکم به رعایت تساوی بین کلیه متهمان» (صابر، ۱۳۸۸: ۱۷۷). اصل برابری یا تساوی افراد در برابر قانون دلالت بر این معنا دارد که هر فرد مظنون یا متهم در مراحل پیش از محاکمه و محاکمه نباید مورد تبعیض قرار گیرد و برخورد قانونی با وی و طرف دیگر دعوا (اعم از شاکی خصوصی و یا مقامات تعقیب دعوی عمومی) و همچنین سایر متهمان یکسان و برابر باشد. اصل قانونی بودن دادرسی کیفری در ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، با این عبارت: «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد» پیش‌بینی شده است. همچنین اصل موصوف در مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز بیان شده است. «اصل حاکمیت قانون» در بند «۲» ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که مفاد قانون موصوف در دادگاه‌های نظامی نیز لازم‌الاجرا می‌باشد، مورد توجه مقنن قرار گرفته است.

همچنین یکی از مصادیق «اصل تساوی افراد در برابر قانون» که ناظر بر اعمال قواعد و تشریفات دادرسی کیفری است در قسمت دوم ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، بدین شرح مقرر شده است: «... و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود».

۲-۱- قانونی و صالح بودن دادگاه

منظور از قانونی بودن دادگاه،^(۳) این است که تأسیس یا تشکیل دادگاه باید به موجب قانون باشد. تأسیس به موجب قانون در اسناد حقوق بشری بین‌المللی و منطقه‌ای از جمله؛ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون‌های اروپایی و آمریکایی و منشور آفریقایی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است. در این اسناد پذیرش دادگاه‌های ویژه نیز صرفاً در شرایط خاص و استثنایی امکان‌پذیر است. منظور از قانون نیز مفهوم خاص آن یعنی مصوبات پارلمان یا قوه مقننه است که علاوه بر مجوز تأسیس دادگاه، باید قلمرو صلاحیت سرزمینی یا محلی و ذاتی آن را نیز مشخص کند. همچنین ایجاد دادگاه و صلاحیت آن می‌تواند به موجب قانون اساسی و یا حقوق عرفی باشد. داشتن صلاحیت‌های قانونی رسیدگی قضایی از جمله معیارها و شاخص‌های دادرسی عادلانه و منصفانه می‌باشد. فقدان صلاحیت قانونی باعث بی‌اعتباری تصمیمات دادگاه می‌شود. صلاحیت محکمه باید جامع بوده و شایستگی رسیدگی دادگاه به لحاظ ذاتی، محلی، شخصی و زمانی و مکانی محل تردید نباشد. در چنین حالتی است که صلاحیت دادگاه کامل و همه جانبه^(۴) محسوب می‌شود. «اصل قانونی و صالح بودن دادگاه» در اصل ۱۵۹ قانون اساسی پیش‌بینی شده است. بر اساس این اصل: «مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است». در دادرسی جرایم نیروهای مسلح نیز این اصل یعنی «تشکیل و صلاحیت دادگاه‌های نظامی به موجب قانون» در اصل ۱۷۲ قانون اساسی، ماده ۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است.

۳-۱- استقلال مرجع قضایی و بی‌طرفی قاضی

استقلال قضایی^(۵) و بی‌طرفی^(۶) یا به عبارت دیگر، رسیدگی به اتهام کیفری یا دعوی حقوقی توسط دادگاهی مستقل و بی‌طرف که بر اساس قانون تشکیل شده باشد، دو مؤلفه مهم و از عناصر اساسی و بنیادین از شرایط لازم و ضروری دادرسی عادلانه و منصفانه محسوب می‌شود. «اصل استقلال دادگاه بدان معناست که قضات هر پرونده در تصمیم‌گیری موضوعات، بی‌طرفانه و بر اساس موضوعات و حقایق پرونده و مبتنی بر قانون، بدون هیچ‌گونه دخالت، فشار یا نفوذ ناروا از هر بخش از حکومت یا سایر بخش‌ها آزاد باشند» (ویسبر، ۱۳۹۰: ۱۲۹). استقلال و بی‌طرفی قضات، وکلا، شهود، کارشناسان، ضابطان، مترجمین و اعضای هیئت منصفه لازمه یک دادرسی مستقل و بی‌طرفانه است. «منظور از استقلال قضایی این است که دادرسان در صدور رأی، تنها قانون و وجدان را حاکم اعمال خود قرار دهند و توجهی به دستورهای، نظرها و خواسته‌های دیگران نداشته باشند» (آخوندی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۲۹۹).

در این مورد می‌توان به بند «۱» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصل ۱ از اصول بنیادین استقلال قضایی، بند «۱» ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند «۱» ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند «۱» ماده ۷ و ماده ۲۶ منشور آفریقایی حقوق بشر و اقوام، ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصل ۱۳ رهنمودهای مربوط به نقش دادستان‌ها اشاره کرد. صرف‌نظر از ضرورت تفکیک مقام تعقیب از تحقیق که لازمه اصل بی‌طرفی و دادرسی منصفانه است، مقامات تحقیق نیز باید در کمال بی‌غرضی و بدون جانبداری از یکی از طرفین دعوا



۴-۱- اصل برائت

اصل برائت^(۷) یا فرض بی‌گناهی یکی از اصول مهم و مسلم حقوقی است که دارای پیشینه تاریخی طولانی می‌باشد. اصل موصوف ریشه در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها داشته و در قوانین عادی و یا حقوق عرفی نظام‌های مختلف حقوقی نیز نهادینه شده است. در نظام حقوقی اسلام، اصل برائت به مفهوم مترقی و امروزی آن وجود داشت. اصل برائت در علم اصول فقه اسلامی، یکی از مصادیق اصول عملیه محسوب می‌شود. چنانچه نسبت به گناهکاری و مجرمیت افرادی که در مظان اتهام قرار دارند، شک و تردید وجود داشته باشد با توسل به اصل برائت، بی‌گناه فرض می‌شوند. همه نظام‌های حقوقی اعم از کشورهای دارای حقوق نوشته و یا کشورهای پیرو نظام کامن‌لا، اصل برائت یا فرض بی‌گناهی متهم را به عنوان یک قاعده آمره و رکن بنیادین دادرسی عادلانه و منصفانه به رسمیت شناخته‌اند. از جمله آثار مهم اصل برائت عبارت‌اند از؛ تفسیر مضیق قوانین جزایی، تفسیر شک به سود متهم (تفسیر قوانین جزایی به نفع متهم)، حق دفاع متهم، حق آگاهی از دلایل دستگیری، حق تفهیم اتهام و ادله آن، منع شکنجه و ممنوعیت هرگونه فشار جهت اخذ اقرار، قرار گرفتن بار اثبات دلیل بر عهده مدعی یا دادستان در امور کیفری، حق سکوت، حق استفاده از وکیل و حق تجدید نظرخواهی متهم. در خصوص قلمرو فرض بی‌گناهی باید گفت، اصل برائت در تمام مراحل؛ کشف جرم، تعقیب، تحقیق، محاکمه و صدور رأی حاکمیت دارد؛ اما حداکثر قلمروی اجرای فرض بی‌گناهی متهم تا مرحله اثبات جرم یعنی تا صدور حکم قطعی است. با این حال پس از احراز مجرمیت متهم توسط دادگاه بدوی و هنگام تعیین مجازات،

اقدامات لازم را در جهت کشف حقیقت و جمع‌آوری ادله و مدارک به سود یا زیان متهم انجام دهند و از این حیث تفاوتی قائل نشوند.

استقلال قوه قضاییه در اصول ۵۷ و ۱۵۶ قانون اساسی پیش‌بینی شده است. در ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری، اصول «استقلال و بی‌طرفی مراجع قضایی» پذیرفته شده است. برابر مقررات ماده موصوف: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند...». در ماده ۹۳ قانون یادشده نیز آمده است: «بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام دهد و در کشف و اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است، فرق نگذارد». همچنین مواد ۳۳۹، ۳۷۲، ۴۲۱ و ۴۲۴ قانون مورد اشاره ناظر بر اصل بی‌طرفی مقام قضایی می‌باشد. در اصل ۱۷۲ قانون اساسی استقلال دادگاه‌های نظامی به عنوان بخشی از قوه قضاییه به رسمیت شناخته شده است. قبل از انقلاب اسلامی دادگاه‌های نظامی زیر نظر قوه مجریه فعالیت می‌کردند؛ اما در حال حاضر و با توجه به اصل ۱۷۲ قانون اساسی، سازمان قضایی نیروهای مسلح به عنوان نهادی مستقل تحت نظر قوه قضاییه فعالیت می‌نماید. در بند «۱» ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که مفاد قانون موصوف در محاکم نظامی نیز باید رعایت شود، به اصل بی‌طرفی اشاره شده است. «اصل استقلال و بی‌طرفی مرجع قضایی و قضات» در ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی و مواد ۴ و ۱۰ دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضاییه نیز ذکر شده است.

اصل برائت تأثیری در میزان و نوع کیفر متهم ندارد و محکومیت و حتی شدت مجازات وی، نقض اصل برائت تلقی نشده و با فرض بی‌گناهی مغایرت ندارد؛ اما متهم بعد از صدور حکم محکومیت خود توسط دادگاه بدوی، با تمسک به اصل برائت از آثار موصوف یعنی حق تجدیدنظرخواهی برخوردار خواهد بود.

در بند «۲» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند «۲» ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است: «هرکس به ارتکاب جرمی متهم شده باشد، حق دارد بی‌گناه فرض شود تا اینکه مقصر بودن او طبق قانون محرز شود». همچنین در بند «۱» ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر شده است: «هرکس که به بزه کاری متهم شده باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد» (ناصرزاده، ۱۳۷۲: ۱۴). در بند «۵» ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر، بند «۲» ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند «۱» ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها و ماده ۶۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز به اصل برائت پرداخته شده است. در حقوق ایران در اصل ۳۷ قانون اساسی، اصل برائت به صراحت آمده است، برابر اصل موصوف «اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

در ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری، برای اولین بار در قوانین کیفری ایران، اصل برائت به صراحت پیش‌بینی گردید. ماده یادشده مقرر می‌دارد: «اصل برائت است. هرگونه اقدام محدود کننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به

دادرسی را بیان می‌کنند تحت حاکمیت این قاعده قرار ندارند، زیرا اصل بر این است که قوانین جدید ناظر بر جریان دادرسی نسبت به قوانین سابق به نحو مطلوب‌تر حقوق دفاعی و آزادی‌های فردی متهم را تأمین می‌کند و با تأمین عدالت و معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه انطباق بیشتری دارد.

به هر حال اصول تفسیر مضیق قوانین جزایی ماهوی و عطف به ما سبق نشدن قوانین مزبور، ریشه در اصل قانونی بودن جرم و مجازات دارد.

در حقوق موضوعه ایران، «اصل قانونی بودن مجازات» در اصل ۳۶ قانون اساسی پیش‌بینی شده است. اصل موصوف مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». علاوه بر اصل یادشده، اصول «۲۲، ۲۵، ۳۲، ۳۷ و ۱۶۹» قانون اساسی نیز دلالت بر این اصل دارند. اصل قانونی بودن جرم و مجازات علاوه بر ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی، در ماده ۲ قانون موصوف بیان شده است.

بر اساس مقررات این ماده: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود».

همچنین مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۸ قانون مجازات اسلامی ناظر بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. بندهای «۱، ۲، ۵ و ۸» ماده‌واحد قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی که به صراحت صدر ماده، مفاد آن باید در محاکم نظامی نیز رعایت و اجرا شود «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» را مورد تأکید قرار داده است. رعایت این اصل در ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی و مواد ۴ و ۶ دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضاییه نیز تصریح شده

یکی از اساسی‌ترین جلوه‌های دادرسی عادلانه و منصفانه «حق تفهیم اتهام و ادله آن» است که تحت عنوان حقوق دفاعی متهم مورد بررسی قرار می‌گیرد. حتی اگر متهم وکیل هم داشته باشد، تفهیم اتهام و دلایل آن به طور دقیق به وی الزامی است. حق موصوف باعث شکل‌گیری و استقرار سایر حقوق دفاعی متهم می‌شود. «منظور از تفهیم اتهام عبارت است از: اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم، برای او قابل درک باشد».

مرتکب آن مجازات قائل شود، این قانون شامل اشخاصی که قبل از وضع و انتشار آن، مرتکب آن عمل شده‌اند، نخواهد شد» (گلدوزیان، ۱۳۹۱، ج ۱: ۲۲۹). اصل ۱۶۹ قانون اساسی و ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی ناظر بر اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری است. «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» و «عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری» در اسناد بین‌المللی مانند؛ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است. البته این اصل استثناء هم دارد و آن زمانی است که قانون جدید وصف کیفری عملی را زایل سازد و یا به جهاتی مساعد به حال مرتکب باشد که این حالت، عطف به ما سبق می‌شود. قسمت دوم ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی، دلالت بر این معنا دارد. در حقوق کیفری اصل عطف به ما سبق نشدن قوانین ناظر بر قوانین ماهوی است و قوانین شکلی که آیین و تشریفات

حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست...». در بند «۲» ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و مواد ۴ و ۶ دستورالعمل حفظ کرامت و ارزش‌های انسانی در قوه قضاییه نیز اصل برائت مورد تأکید قرار گرفته است. اصل برائت در ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی هم بیان شده است.

۱-۵- قانونی بودن جرم و مجازات

اصل ماهوی قانونی بودن جرم و مجازات که امروزه یکی از اصول مبنایی و مسلم حقوقی در زمینه دادرسی منصفانه محسوب می‌شود، ریشه در فرهنگ غنی اسلام دارد. قاعده مسلم و مشهور فقهی «قبح عقاب بلا بیان یا منع عقاب بلا بیان» نیز در راستای اصل قانونی بودن جرم و مجازات است. مفهوم قاعده عقلی یادشده این است که تا زمانی که رفتاری توسط شرع نهی نشده و ممنوعیت آن، بیان نگردیده است، مجازات آن رفتار عقلاً قبیح و زشت است.

بر اساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تعقیب کیفری رفتاری که در زمان ارتکاب، وصف مجرمانه نداشته و مجازات برای آن پیش‌بینی نشده بود، ممنوع است. «اصل قانونمندی جرایم و مجازات‌ها، یکی از اصول بنیادین حقوق کیفری است که از سه اصل مشخص دیگر یعنی؛

- ۱- هیچ جرمی بدون قانون وجود ندارد،^(۸)
- ۲- هیچ مجازاتی بدون قانون وجود ندارد،^(۹)
- ۳- هیچ قانونی عطف به گذشته نمی‌شود،^(۱۰) ترکیب شده است» (احمدی، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

یکی از آثار اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قاعده عطف به ما سبق نشدن قوانین جزایی ماهوی است. «طبق این قاعده، چنانچه قانون لاحق عملی را که در سابق جرم نبوده، جرم بشناسد و برای



اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است: «با زبانی که متهم کاملاً درک و با آن صحبت می‌کند، فوراً و دقیقاً از ماهیت، سبب و محتوای اتهام مطلع شود». در قانون اساسی ایران حق تفهیم اتهام و ادله آن به متهم به رسمیت شناخته شده است. برابر اصل سی و دوم قانون اساسی: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود». در قانون آیین دادرسی کیفری نیز در مراحل پیش از محاکمه و محاکمه بر اعمال حق موصوف تأکید شده است. با توجه به اصل ۱۷۲ قانون اساسی، ماده ۵۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۶۱۲ و ۶۴۸ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح «حق تفهیم اتهام و ادله آن به متهم» در دادرسی جرایم نیروهای مسلح نیز باید دقیقاً رعایت و اجرا شود.

۲-۲- حضوری بودن دادرسی

اصل حضوری بودن رسیدگی یا محاکمه حضوری یکی از اصول مهم دادرسی منصفانه است که با اصل برابری سلاح‌ها نیز ارتباط تنگاتنگ دارد و آن را تضمین می‌کند. «حق بر حضور در دادرسی‌های کیفری»^(۱۳) تأثیر مستقیم در نتیجه دادرسی و اجرای عدالت کیفری دارد. مقتضای دادرسی عادلانه و منصفانه ایجاب می‌کند که اصل حضوری بودن دادرسی کیفری اختصاص به مرحله محاکمه نداشته باشد و قابل تسری به مراحل تعقیب، تحقیقات مقدماتی و حتی کشف جرم نیز باشد. همچنین این اصل

و می‌تواند از سایر حقوق دفاعی مانند؛ حق سکوت، حق برخورداری از امکانات و فرصت دفاع، حق برخورداری از وکیل و حق محاکمه حضوری استفاده کند. این دسته از معیارهای دادرسی عادلانه را که معمولاً در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر با این جمله که «هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود با تساوی کامل، حداقل حق تضمین‌های دفاعی»^(۱۴) را خواهد داشت، پیش‌بینی گردیده‌اند، به عنوان «حداقل تضمینات دفاعی متهم» می‌شناسند. «حق آگاهی متهم از مدارک اتهام و شرح موقوفه مطروحه علیه وی، لازمه احترام به حق دفاع بوده و جهل نسبت به آن و خصوصاً عدم ارائه مدارک آن، موجب خلع سلاح در دفاع از حقوق و آزادی‌های اساسی فردی می‌باشد» (مؤذن زادگان، ۱۳۷۷: ۱۴۶).

تفهیم اتهام و ادله و مستندات آن باید با قید فوریت و در اسرع وقت صورت گیرد. چون متهم حق دارد سریعاً از اتهام خود مطلع شود تا بتواند آگاهانه از خود دفاع کند و میان او و مدعی، توازن قدرت دفاعی برقرار شود. «تفهیم اتهام مقدمه واجب برای بازجویی از متهم است و پیش از آنکه تفهیم اتهام صورت گیرد، هیچ پرسشی از متهم در ارتباط با جرم انتسابی توجیه قانونی ندارد» (آخوندی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۱۱۸). نحوه بیان و تفهیم اتهام باید ساده، روشن و قابل درک باشد. همچنین ضرورت دارد عنوان صحیح قانونی اتهام درج و ماهیت عمل مجرمانه و ادله و مستندات قانونی آن تبیین و توصیف شود. این موضوع در بند «۳» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است. دربند «۲» ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر حق آگاهی متهم نسبت به ادله دستگیری و اتهام خود تأکید شده است. همچنین در این مورد در قسمت (الف) از بند «۱» ماده ۶۷

است. در دادرسی جرایم نیروهای مسلح نیز علاوه بر تبعیت از اصول کلی حاکم بر دادرسی‌های کیفری، این اصل در ماده ۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مورد تأکید قرار گرفته است.^(۱۵)

۲- معیارهای شکلی

معیارهای شکلی ناظر بر آیین‌ها و تشریفات رسیدگی هستند که با هدف حمایت از حقوق طرفین دعوا به خصوص متهم به عنوان شاخص‌های یک دادرسی مطلوب و منصفانه محسوب می‌شوند؛ مانند حق تفهیم اتهام، حق برخورداری از وکیل و حق تجدیدنظرخواهی. برخی از تشریفات رسیدگی به اندازه‌ای اهمیت دارد که عدم رعایت آنها موجب بی‌اعتباری رأی دادگاه و یا مرجع شبه قضایی می‌شود. هر چند که معیارهای شکلی دادرسی منصفانه در اسناد بالادستی ناظر بر دادرسی منصفانه اعم از اسناد بین‌المللی و داخلی نیز پیش‌بینی شده است، لیکن جایگاه واقعی معیارهای موصوف قوانین دادرسی است. در این قسمت از مقاله به معیارهای شکلی دادرسی منصفانه می‌پردازیم.

۲-۱- حق تفهیم اتهام

یکی از اساسی‌ترین جلوه‌های دادرسی عادلانه و منصفانه «حق تفهیم اتهام و ادله آن» است که تحت عنوان حقوق دفاعی متهم مورد بررسی قرار می‌گیرد. حتی اگر متهم وکیل هم داشته باشد، تفهیم اتهام و دلایل آن به طور دقیق به وی الزامی است. حق موصوف باعث شکل‌گیری و استقرار سایر حقوق دفاعی متهم می‌شود. «منظور از تفهیم اتهام عبارت است از: اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی تحقیق به زبان و شیوه‌ای که با توجه به وضعیت خاص هر متهم، برای او قابل درک باشد» (آشوری، ۱۳۸۷: ۱۰۴).

پس از تفهیم اتهام مشتکی عنه یا مظنون به ارتکاب جرم تبدیل به متهم می‌شود



باید در مراجع رسیدگی اختصاصی، شبه قضایی و اداری نیز رعایت گردد. حضور متهم در دادرسی علاوه بر اهمیت زیادی که به عنوان حق خود متهم برای اینکه دلایل وی مورد استماع واقع شود، دارد از جهت سنجش و ارزیابی درستی سخنان وی در مقایسه با اظهارات سایر طرف‌های دعوا (بزه‌دیدگان و شهود) نیز دارای اهمیت است (Cassese, 2003: 400). متهم با حضور خود در مراحل مختلف دادرسی کیفری می‌تواند آگاهانه از حق خود دفاع کند و علاوه بر آن باعث روشن شدن واقعیت پرونده و کشف بهتر حقیقت گردد. یکی دیگر از دلایل مهم توجیهی ضرورت حضوری بودن دادرسی کیفری، اهمیت شناخت ویژگی‌های شخصیتی متهم توسط قاضی کیفری است. امروزه این رویکرد نوین حقوق کیفری که با ریشه جرم شناختی در قالب «پرونده شخصیت متهم»، با گزارش‌های روان‌پزشکی، پزشکی و مددکاران اجتماعی همراه است، آثار متعددی در اقدامات تأمینی، تعیین و اجرای کیفر و اعمال نهادهای ارفاقی دارد. دادرسی توافقی و استماع بی‌طرفانه و مستقل اظهارات و دلایل طرفین دعوا باعث تحقق دادرسی عادلانه و منصفانه می‌شود. حق حضور در دادگاه در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در حقوق ایران و در قانون آیین دادرسی کیفری اصل حضوری بودن دادرسی پذیرفته شده است.^(۱۴) برابر ماده ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، رسیدگی در دادگاه به صورت توافقی انجام می‌شود. در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز ماده ۱۹۲ مقرر می‌دارد: «تحقیق از شاکی و متهم غیر علنی و انفرادی است، مگر در جرایم قابل گذشت که به آنها در دادسرا حتی‌الامکان به صورت توافقی رسیدگی می‌شود». در قانون آیین دادرسی کیفری

در دو مورد رسیدگی غیابی تجویز شده است؛ نخست، در دادرسی جرایم اطفال و نوجوانان در صورتی که مصلحت طفل ایجاب کند؛^(۱۵) دوم، در جرایمی که فقط جنبه حق‌اللهی دارند و نظر دادگاه بر برائت متهم است.^(۱۶) هرچند که اصل بر «رسیدگی حضوری و یا تناظری و توافقی بودن دادرسی» است، اما این قاعده مطلق نیست و استثنائاتی هم دارد که می‌تواند به عنوان دلایل توجیهی تجویز رسیدگی غیابی مورد استناد قرار گیرد، از جمله اینکه وقتی متهم متواری شود، صحیح نیست که عدالت به سبب اقدام وی تعطیل شود، منع نمودن دستگاه قضایی از دادرسی به سبب رفتار آگاهانه متهم به معنای سپردن سرنوشت عدالت کیفری به دست اوست که این امر حتی از دیدگاه موازین دادرسی منصفانه نیز قابل توجیه و دفاع نیست. البته پذیرفتن محاکمه غیابی در شرایط خاص و استثنایی به معنای عدم رعایت اصول دادرسی منصفانه و نقض حقوق متهم در رسیدگی غیابی نیست، بلکه باید در این نوع رسیدگی حقوق وی و معیارهای دادرسی عادلانه و منصفانه مدنظر قرار گیرد. با توجه به اینکه متهم علی‌رغم امکان حضور در محاکمه و برخورداری از تضمین‌های دادرسی منصفانه، با اراده خود از شرکت در جلسه دادرسی خودداری نموده و به عنوان یک سیاست دفاعی، محاکمه غیابی را انتخاب کرده است، نمی‌توان این نوع محاکمه را فی‌نفسه ناقض حقوق متهم و مغایر با اصول دادرسی منصفانه دانست. برابر ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری، در تمام جرایم به استثنای جرایمی که فقط جنبه حق‌اللهی دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ‌یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی

صادر می‌کند. در مرحله تجدیدنظر نیز مقررات مشابهی در ماده ۴۶۱ قانون یادشده پیش‌بینی شده است. رسیدگی حضوری در دادرسی جرایم مسلح نیز با توجه به ماده ۶۴۸ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح، تابع عمومات آیین دادرسی کیفری و مواد قانونی پیش‌گفته است.

۲-۳- حق برخورداری از وکیل

حق انتخاب آزادانه وکیل به عنوان یکی از تسهیلات مهم حقوق دفاعی متهم از اصول بنیادین دادرسی منصفانه محسوب می‌شود. حق موصوف در اسناد بین‌المللی، قانون اساسی و قوانین موضوعه جایگاه خاصی دارد. این حق باعث تقویت اوصاف «عدالت و انصاف» در دادرسی می‌شود. حق بهره‌مندی از وکیل از حقوق اولیه طرفین دعوا در کلیه دعاوی محسوب می‌شود. یکی از وظایف دادستان به عنوان مدعی‌العموم برابر اصل ۱۵۶ قانون اساسی، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع است که نقطه مقابل آن احیای حقوق فردی اصحاب دعوا می‌باشد. این اقدام موجب برقراری تعادل و توازن و برابری سلاح‌ها در رسیدگی قضایی به دعاوی طرفین می‌شود.

از آثار «اصل برابری ابزارهای دفاعی»^(۱۷) حق انتخاب وکیل است که می‌تواند در رقابت با سلاح‌های علمی و تخصصی مقامات تعقیب تا حد زیادی موازنه حقوقی برقرار سازد. حق برخورداری از وکیل به عنوان یکی از الزامات و شاخص‌های مهم دادرسی منصفانه و حقوق دفاعی متهم در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. در بند «۳» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حق بهره‌مندی از وکیل تعیینی و یا تسخیری و همچنین مطلع نمودن متهم از داشتن این حق پیش‌بینی



کافی و برابر جهت طرح و پیگیری دعوا و یا تدارک دفاع بهره‌مند باشند. تدارک دفاع اختصاص به مرحله محاکمه ندارد و در صورت درخواست متهم باید در مراحل قبل از محاکمه نیز مهلت و امکانات مناسب برای تهیه و ارائه دفاع به وی اعطا شود. داشتن فرصت کافی و امکانات و تسهیلات دفاعی اجزای این حق را تشکیل می‌دهند. این حق در قضای اسلامی نیز مسبوق به سابقه می‌باشد. از جمله در سیره قضایی حضرت علی (ع) آمده است که آن حضرت خطاب به قاضی شریح فرمودند: «برای کسی که مدعی است شهود غایبی دارد مهلتی تعیین کن، اگر آنان را حاضر کرد حق او را بگیر و اگر آنان را حاضر نکرد، علیه او حکم خواهد شد». حق آمادگی برای تدارک دفاع در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. در قسمت (ب) ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تأکید شده که متهم باید از وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع و ارتباط با وکیل منتخب خود برخوردار باشد. تضمین حق دفاع یا حقوق دفاعی متهم از لوازم ضروری و اجتناب‌ناپذیر دادرسی منصفانه است.

قانون اساسی در خصوص «حق برخورداری از فرصت و امکانات کافی برای دفاع» مقررات صریحی ندارد. لیکن اصل ۳۵ ناظر بر یکی از مصادیق بارز برخورداری از تسهیلات دفاع یعنی «حق داشتن وکیل» می‌باشد. در ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری، مقرر شده است: «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع اتهام و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور این قانون بهره‌مند شود». بدون تردید «حق برخورداری از زمان و امکانات دفاع» از جلوه‌های بارز حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود.

در بند «۳» ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی هم حق استفاده از وکیل پذیرفته شده است. در ماده ۵ قانون حمایت خانواده نیز تعیین وکیل معاضدتی برای افراد فاقد تمکن مالی پیش‌بینی شده است. حق انتخاب وکیل در مراجع شبه قضایی نیز مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته است. شورای مذکور در تاریخ ۱۳۷۳/۲/۲۹ در مورد شمول اصل ۳۵ قانون اساسی نسبت به این‌گونه مراجع، صراحت اعلام داشته، «اصل یادشده حق انتخاب وکیل را در غیر دادگاه‌ها به ویژه هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری، نفی نمی‌کند و از این‌رو، اصل مذکور نیاز به تفسیر ندارد». ضوابط ناظر بر حق برخورداری از خدمات وکیل در محاکم نظامی تابع مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و سایر مقررات مربوط است. در خصوص انتخاب وکیل در جرایم علیه امنیت و مواردی که پرونده مشتمل بر اسناد دارای طبقه‌بندی سری و به کلی سری است، انتخاب وکیل توسط طرفین بر اساس مقررات ماده ۶۲۵ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح صورت می‌گیرد.

۲-۴- حق برخورداری از فرصت و امکانات کافی برای دفاع

حق برخورداری از فرصت و امکانات دفاعی یکی از ابعاد و عناصر اساسی «اصل برابری سلاح‌ها» یا «تساوی ابزار و امکانات»^(۱۸) را تشکیل می‌دهد و از تضمینات و الزامات مهم دادرسی منصفانه محسوب می‌شود. اصل تساوی سلاح‌ها بدین معناست که شیوه رسیدگی به پرونده باید به نحوی باشد که طرفین دعوا در طول فرایند دادرسی کیفری، اعم از مرحله کشف جرم، تعقیب، تحقیقات مقدماتی، محاکمه، صدور رأی و تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی از زمان و تسهیلات

شده است. با توجه به مفاد اصل موصوف، حق برخورداری از وکیل در تمام مراحل رسیدگی اعم از؛ کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، محاکمه و تجدیدنظرخواهی ضروری می‌باشد و ایجاد محدودیت و یا ممنوعیت در این مورد ناقض حقوق دفاعی متهم و مغایر با اصول دادرسی منصفانه است. از دیدگاه حقوق تطبیقی، امروزه میزان دخالت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی گسترش یافته است. افزایش اختیارات وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی باعث شده است که مقررات ترافعی شدن رسیدگی در دادسرا در قوانین آیین دادرسی تقویت شود. در حقوق ایران نیز به تبع الزامات و یا رهنمودهای اسناد جهانی، حق برخورداری از وکیل پذیرفته شده است. به موجب اصل ۳۵ قانون اساسی «در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». بر اساس ماده واحده انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب سال ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «اصحاب دعوا حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاه‌هایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند، مکلف به پذیرش وکیل می‌باشند». در تبصره «۲» ماده واحده مزبور نیز مقرر شده است: «هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و... حق دسترسی به وکیل در ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری، بدین شرح به رسمیت شناخته شده است: «متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود».

در ماده ۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری، در ترتیبات رسیدگی بر اساس کیفرخواست شفاهی تأکید بر حق برخورداری از مهلت و تدارک دفاع شده است. در مواد ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون آیین دادرسی کیفری، حق بهره‌مندی از مترجم به عنوان یکی از تسهیلات حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی مورد تأکید مقنن قرار گرفته است. در مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون موصوف نیز مقررات مشابهی در مورد حق برخورداری از مترجم در دادگاه بیان شده است. همچنین متهم به استناد ماده ۳۵۱ می‌تواند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده اطلاعات لازم را جهت تدارک دفاع تحصیل نماید. در ماده ۳۸۷ قانون یاد شده هم به مهلت تدارک دفاع و همچنین تجدید مهلت برای وکیل وی اشاره شده است. در جرایم تعزیری درجات هفت و هشت و همچنین سایر مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، در صورتی که متهم برای تدارک دفاع درخواست مهلت کند، دادگاه با اخذ تأمین متناسب از وی، وقتی را برای رسیدگی تعیین می‌کند.^(۱۹) بند «۳» ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی هم ناظر بر حق موصوف است. در منشور حقوق شهروندی نیز حق برخورداری از فرصت و امکانات دفاعی مناسب شهروندان برای اقامه دعوا و یا دفاع از اتهام تصریح شده است.^(۲۰) در محاکم نظامی نیز با توجه به ماده ۶۴۸ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح، حق برخورداری از فرصت و امکانات دفاعی تابع عمومات آیین دادرسی کیفری و مواد قانونی پیش گفته است.

۲-۵- مستدل و مستند بودن آراء

اصل صدور آرای مستدل و مستند که در راستای تأمین حقوق طرفین دعوا به خصوص متهم اعمال می‌گردد، از الزامات و استانداردهای اساسی دادرسی منصفانه

محسوب می‌شود. اصل مستدل و مستند بودن آراء،^(۲۱) اختصاص به دادگاه‌ها ندارد، بلکه شامل قرارهای دادرسی و فراتر از آن کلیه تصمیمات و اقدامات قضایی در فرایند دادرسی کیفری می‌شود. مفاد این اصل اختصاص به مراجع قضایی ندارد و باید در مراجع شبه قضایی و اداری رسیدگی به تخلفات اداری نیز دقیقاً رعایت شود.

از جمله آثار مثبت ذکر استناد قانونی^(۲۲) و استدلال حقوقی،^(۲۳) در تصمیم‌های قضایی عبارت است از: «تقن و استواری آراء، جلب اعتماد طرفین دعوا و وکلای آنان نسبت به رسیدگی دستگاه عدالت قضایی، تقویت اصل بی‌طرفی مقامات قضایی و ابرام و تأیید آراء در مراجع تجدیدنظر». در حقوق ایران و از لحاظ پیشینه تاریخی، برای اولین بار در اصل ۷۸ قانون اساسی مشروطه، «اصل مستدل و مستند بودن آراء» و همچنین اعلام علنی احکام صادر شده از محاکم، پیش‌بینی گردید.^(۲۴) در ماده ۲۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش نیز تصریح شده بود که رأی دادگاه باید مدلل و موجه باشد. اصل ۱۶۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این مورد مقرر نموده است: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است». همچنین برابر اصل ۱۶۷، چنانچه قاضی حکم دعوا را در قوانین مدونه نیابد، باید به استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید.

در ماده ۲۶۴ قانون آیین دادرسی کیفری، بازپرس مکلف شده است، پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، قرار نهایی پرونده را حداکثر ظرف پنج روز به صورت مستدل و مستند صادر نماید. بر اساس ماده ۲۶۵ قانون یادشده، صدور قرار جلب دادرسی، در صورت جرم بودن عمل ارتكابی و وجود ادله کافی برای

انتساب جرم به متهم امکان‌پذیر است. در کیفرخواست دادرسی نیز باید ادله انتساب جرم به متهم و مستندات قانونی اتهام ذکر شود. برابر ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است». حتی در مواردی که دادگاه با سیستم تعدد قضات به موضوع رسیدگی می‌کند و رأی اکثریت تمام اعضاء ملاک است، نظر اقلیت باید به طور مستدل در پرونده درج شود. در بند «۲» ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز مستدل و مستند بودن آرای دادگاه‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. در ذیل ماده ۵۷ منشور حقوق شهروندی نیز آمده است: «احکام باید مستدل و مستند به قوانین و اصول مربوط صادر شود». علاوه بر ضرورت مستدل و مستند بودن قرارهای نهایی و احکام، سایر اقدامات و تصمیمات مقامات قضایی و حتی ضابطان نیز باید با دلیل و مدارک کافی و مستند به قوانین موضوعه باشد. در اصل ۳۲ قانون اساسی در همین ارتباط مقرر شده است: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود...» همچنین «اصل مستدل و مستند بودن اقدامات و تصمیمات قضایی» در مواد متعدد قانون آیین دادرسی کیفری آمده است. از جمله در این مورد می‌توان به مقررات مربوط به: «بازداشت متهم توسط ضابطان دادگستری در جرایم مشهود، صدور قرار تأمین خواسته، تفتیش و بازرسی منازل و اماکن، تفتیش و بازرسی مراسلات پستی متهم، احضار و جلب متهم، ممنوع‌الخروج نمودن متهم، تفهیم اتهام، صدور قرارهای تأمین و نظارت قضایی و اخذ آخرین دفاع» اشاره کرد.



در دادگاه‌های نظامی نیز با توجه به اصل ۱۶۶ قانون اساسی، ماده ۶۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ناظر بر مواد ۲۶۴، ۲۶۵ و ۳۷۴ قانون موصوف و سایر مقررات مربوط «اصل مستدل و مستند بودن آراء» حاکم است. در بخش مقررات افتراقی دادرسی جرایم نیروهای مسلح نیز در ماده ۶۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: دادگاه نظامی زمان جنگ پس از وصول پرونده برابر مقررات رسیدگی را آغاز و پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف سه روز مبادرت به انشاء رأی می‌کند.

۲-۶- حق تجدیدنظرخواهی

حق تجدیدنظر،^(۲۵) یا تجدیدنظرخواهی یکی از جلوه‌های مهم و بنیادین دادرسی منصفانه محسوب می‌شود. متهمانی که در مراجع کیفری و یا رسیدگی به تخلفات محکومیت حاصل می‌کنند، حق دارند در رابطه با محکومیت خود از یک مرجع بالاتر درخواست تجدیدنظر کنند.

بر اساس این حق طبیعی بشری، متهمی که در دادگاه بدوی محکومیت حاصل نموده است، حق دارد که حکم علیه خود را نپذیرد و با اعتراض به آن، درخواست کند که محکومیت و کیفر وی، مجدداً از سوی دادگاه بالاتر، برابر قانون رسیدگی شود. «داشتن حق اعتراض یا تجدیدنظرخواهی از آرای دادگاه‌ها اعم از؛ پژوهشی، فرجامی و یا فوق‌العاده، یکی از اصول مهم و از مصادیق بارز مربوط به تضمینات اساسی حقوق طرفین دعوای کیفری به خصوص متهم بوده که در قوانین موضوعه و مقررات بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای دارد» (یزدانیان، ۱۳۸۱: ۷۱). به رسمیت شناختن «حق تجدیدنظرخواهی» منجر به

دو درجه‌ای شدن دادرسی به شیوه‌های عادی اعتراض به آراء می‌گردد. حق تجدیدنظرخواهی و به تبع آن رسیدگی دو مرحله‌ای، باعث می‌شود که از اشتباهات قضایی و همچنین از اعمال مجازات بر متهمان بی‌گناه جلوگیری شود.

رسیدگی مرحله دوم یا رسیدگی در مقام تجدیدنظرخواهی ممکن است صرفاً به صورت شکلی باشد و یا هر دو جنبه شکلی و ماهوی رأی دادگاه بدوی را مورد بررسی قرار دهد که این شیوه در راستای تأمین حقوق متهم و تضمینات دادرسی منصفانه می‌باشد. به عبارت دیگر، «برای اینکه مقصود متهم از تجدیدنظر برآورده شود، تجدیدنظر در پرونده باید هم از بعد شکلی و هم از بعد ماهوی صورت پذیرد و رسیدگی شکلی همیشه نمی‌تواند حق تضییع شده متهم را احیاء کند» (رحمدل، ۱۳۸۸: ۳۱۷).

اعاده دادرسی که در واقع استثنایی است بر «قاعده اعتبار امر مختوم»، یکی از طرق فوق‌العاده رسیدگی به درخواست تجدیدنظرخواهی و شکایت از آرای محکومیت قطعی دادگاه‌ها است که اصولاً به نفع محکوم‌علیه پذیرفته می‌شود. حق تجدیدنظرخواهی در اسناد بین‌المللی ناظر بر دادرسی عادلانه و منصفانه پذیرفته شده است. در بند «۵» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: «هر کس که به خاطر ارتکاب جرمی محکومیت یافته، حق دارد که محکومیت و مجازات او به وسیله یک دادگاه بالاتر طبق قانون مورد رسیدگی مجدد واقع شود».

اصل سی و چهارم قانون اساسی «دادخواهی و مراجعه به دادگاه صالح» را حق مسلم هر فرد دانسته است. در مفهوم شناسی حقوقی شاید بتوان مفهوم عام «دادخواهی» را به مرحله اعتراض به آراء نیز تسری داد. در ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، حق

تجدیدنظرخواهی تصریح نشده است، لیکن در ماده ۶۵ منشور حقوق شهروندی، حق تجدیدنظرخواهی به عنوان یک حق شهروندی به رسمیت شناخته شده است. در حال حاضر در حقوق ایران با توجه به مواد ۴۰۷، ۴۰۶ و ۴۲۶ الی ۴۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری «واخواهی، تجدیدنظرخواهی و یا فرجام‌خواهی» از طرق عادی اعتراض به آرای دادگاه‌ها و «اعاده دادرسی» روش فوق‌العاده اعتراض به احکام قطعی کیفری محسوب می‌شوند. در محاکم نظامی نیز با توجه به ماده ۶۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ناظر بر مواد پیش‌گفته و همچنین در بخش افتراقی دادرسی جرایم نیروهای مسلح در مواد ۶۳۴ الی ۶۳۸ قانون موصوف این حق بنیادین دادرسی منصفانه به رسمیت شناخته شده است. در ماده ۶۳۶ قانون آیین دادرسی جرایم نیروهای مسلح آمده است: آراء قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی دادگاه‌های نظامی زمان جنگ، ظرف هفتاد و دو ساعت از زمان ابلاغ، قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی است و دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور باید حداکثر ظرف هفت روز پس از وصول پرونده، رسیدگی و رأی مقتضی را صادر نماید، مگر آنکه صدور رأی در مدت مزبور به دلایل قانونی از قبیل نقص تحقیقات مقدور نباشد که در این صورت باید علت تأخیر به‌طور مستدل در پرونده قید شود. همچنین در ماده ۶۳۸ این قانون مقرر شده است:

«در صورتی که مجازات مندرج در حکم دادگاه به لحاظ وضعیت خاص خدمتی محکوم‌علیه مانند محرومیت از ترفیع کارکنان بازنشسته، قابل اجرا نباشد، دادستان نظامی مطابق ضوابط، حسب مورد حق درخواست تجدیدنظر یا فرجام را دارد. در این صورت مرجع تجدیدنظر یا فرجام جهت تعیین مجازات قانونی دیگر اقدام می‌کند».

برآمد و پیشنهادها

امروزه در اکثر نظام‌های حقوقی جهان، دادرسی عادلانه و منصفانه و معیارها و تضمینات آن، رکن اساسی و بنیادین و هسته مرکزی انواع دادرسی‌ها اعم از کیفری، مدنی و اداری را تشکیل می‌دهد. به نحوی که نقض یا عدم رعایت اصول و شاخص‌های آن، در مواردی اساس و مشروعیت رسیدگی را متزلزل می‌نماید. مبانی نظری پایدار و اسناد معتبر بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی پایه و پشتوانه قوی دادرسی منصفانه محسوب می‌شوند. ضوابط و استانداردهای دادرسی منصفانه علاوه بر محاکم عمومی، باید در دادگاه‌های اختصاصی نیز رعایت شود، در غیر این صورت، دادرسی فاقد اوصاف «عدالت و انصاف» خواهد بود. دادرسی‌های اختصاصی و شبه قضایی و اداری نیز از این قاعده مستثنی نیست و باید همواره از اصول و معیارهای دادرسی منصفانه تبعیت کند. رعایت حقوق و آزادی‌های فردی متهم و تضمین حقوق بزه‌دیده و رفتار کرامت مدار با وی، محورهای اصلی و اساسی دادرسی عادلانه و منصفانه را تشکیل می‌دهند.

بر اساس داده‌ها و مستندات تحقیق، کلیات معیارها و تضمینات دادرسی منصفانه در دادرسی جرایم نیروهای مسلح همانند دادرسی دادگاه‌های عمومی پذیرفته شده است، اما در مصادیق و قاعده‌گذاری چالش‌هایی نیز در هر دو حوزه دادرسی‌های عمومی و اختصاصی وجود دارد که در اصلاح و بازنگری قوانین باید مورد امان نظر مقنن قرار گیرد. در پایان دو پیشنهاد نگارنده مقاله ارائه می‌گردد:

۱- کلیه معیارها و شاخص‌های ناظر بر دادرسی منصفانه در بخش کلیات قانون آیین دادرسی کیفری تجمیع و ذکر گردد و مقررات تفصیلی ناظر بر آن در قسمت‌های مربوط بیان شود. ۲- با توجه به اهمیت دادرسی جرایم نیروهای مسلح که جایگاه قانون اساسی دارد، معیارها و شاخص‌های مهم ناظر بر دادرسی منصفانه در بخش افتراقی دادرسی جرایم نیروهای مسلح نیز تصریح شود.

23. Legal Argument.

۲۴. اصل ۷۸ متمم قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۶ هجری شمسی: «احکام صادره از محاکم باید مدلل، موجه و محتوی فصول قانونیه که بر طبق آنها حکم صادر شده است، بوده و علنی قرائت شود».

25. The Right to appeal.

فهرست منابع

- ۱- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد ۴ (اندیشه‌ها)، انتشارات اشراق، دانشگاه قم، چاپ اول، ۱۳۷۹
- ۲- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد ۵، انتشارات مجد. چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۳- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، چاپ نهم، انتشارات سمت، ۱۳۸۷
- ۴- آشوری، محمد و دیگران، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، انتشارات خرسندی، چاپ اول، ۱۳۹۴
- ۵- احمدی، محمد عارف، دادرسی منصفانه، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶
- ۶- رحمدل، منصور، دادرسی عادلانه در مقررات دادرسی کیفری ایران، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۸۸
- ۷- صابر، محمود، آیین دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۸
- ۸- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، جلد ۱، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۱
- ۹- مؤذن‌زادگان، حسنعلی، «حق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۹، ۱۳۷۷
- ۱۰- ناصر زاده، هوشنگ، اعلامیه‌های حقوق بشر، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۲
- ۱۱- ویسبرت، دیوید، دادرسی عادلانه، ترجمه فریده طه و لیلا اشراقی، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰
- ۱۲- یزدانیان، محمدرضا، «تجدیدنظرخواهی آرای دادگاه‌های نظامی»، ماهنامه دادرسی، سال ششم، شماره ۳۳، ۱۳۸۱

پی‌نوشت‌ها

1. The Principle of the rule of law.
۲. از جمله اصول ۳۶، ۳۳، ۳۲ و ۱۵۹ قانون اساسی.
3. Legality of the court.
4. Full Jurisdiction.
5. Judicial Independence.
6. Impartiality.
7. The principle of innocence.
8. There is no crime without law.
9. There is no punishment without law.
10. No law goes back to the past.
۱۱. ماده ۲ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح: «دادگاه نظامی مکلف است در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر شده است به استناد این قانون حکم صادر نماید. اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همین قانون خواهد بود. تبصره - در مواردی که مجازات جرمی در این قانون ذکر نشده باشد، چنانچه رسیدگی به آن جرم در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، دادگاه نظامی طبق قانون مربوط به آن جرم، تعیین کیفر می‌نماید و اعمال تخفیف و تبدیل نیز به موجب همان قانون خواهد بود».
12. Minimum Guarantees for the Defense.
13. The Right to be Present during trial.
۱۴. نگاه کنید به: مواد ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۵۱، ۳۵۶، ۳۹۱، ۳۷۱، ۳۹۶ و ۳۹۹ قانون آیین دادرسی کیفری.
۱۵. ماده ۴۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری.
۱۶. تبصره «۳» ماده ۴۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری.
17. The principle of the equality of arms.
18. Equality of arms.
۱۹. بند «ب» ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری.
۲۰. ماده ۶۳ منشور حقوق شهروندی.
21. The right to reason and document the votes.
22. Legal citation.